

سخنرانی آقای دکتر ابراهیم کاظمی، در هفتمین دوره کلاس آموزش خانواده



نوجوانی و بلوغ

نوجوانی را از سه جنبه زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم .

۱ - تغییرات و تحولات بدنی

۲ - تحولات و تغییرات روانی

۳ - جنبه اجتماعی

مسائلی که در ارگانیزم وجود دارد و در جوانی تظاهرات بیشتری نشان می‌دهد مورد

بررسی قرار می‌دهیم. این مسائل قابل لمس می‌باشد.

هستند (نظیر سرعت رشد) از سنین ۱۴ - ۱۱ سالگی شروع شده ، تا ۱۶ سالگی ادامه دارد .
سرعت رشد از لحاظ قد و وزن بسیار آشکار می باشد .

این رشد در مقایسه با دوره کودکی سریعتر است . روانشناسان این دوره را دوره لباس کوتاه نامیده اند ، زیرا لباس نوجوان بسرعت غیر قابل استفاده می گردد ، گاهی عدم تناسب سرعت رشد اعضای بدن با اندازه ای است که در ظاهر ارگانسیم مشاهده می شود ، استخوانهای بدن در هر سال ۶ - ۷ سانتیمتر بلند تر می شوند ، پوست بدن بهمین سرعت بارشد استخوانها هماهنگ نبوده ، روی زانوهای نوجوانان نوارهای تاریک و روشنی بنام نوارهای رشد ظاهر می گردد . برخی از تحولات بلوغ باین اندازه آشکار نیست ، یعنی تغییر و دگرگونی قابل رویت نمی باشد . بعنوان مثال بلوغ جنسی دوجنیه دارد که شامل تظاهرات بلوغ جنسی و تظاهرات بیولوژیکی با پایه و اساس تظاهرات درونی بیولوژی رشد است که در زمان ۶ سالگی پایه گذاری می شود . آنچه که در ۱۳ سالگی در دختر ظاهر می شود و یکی دو سال دیرتر در پسر معمولاً در حدود ۶ سالگی پایه گذاری شده است .

میزان هورمونهای جنسی در داخل ارگانیزم دختر و پسر افزایش پیدامی کند که بمرحله بلوغ جنسی رسیده ، بصورت ظاهری آن در سن بلوغ قابل مشاهده است .

بررسی خون نوجوان نشان می دهد که میزان مواد سازنده خون نوجوان تغییر می یابد . بعلت ساختن استخوانهای طولی بدن ، بطور سریع اصلاح کلسیم خون کاهش می یابد ، سوخت و ساز ارگانیزم دگرگون می شود ، افزایش رشد استخوان و افزایش وزن نیاز به کالری بیشتر برای سوخت و ساز و تأمین رشد سریع را افزایش می دهد .

در مورد دختران نیاز به کالری برابر ۳۰۰۰ - ۲۵۰۰ (برابر نیاز کالری یک زن شیرده) و در مورد پسر ۴۰۰۰ - ۳۰۰۰ کالری در روز می باشد (معادل نیاز یک کارگر سنگین کار)
نوجوانان تقریباً در یک حالت گرسنگی دائمی بسر می برند .

تغییرات بدنی به عوامل مذکور محدود نمی گردد ، ولی با توجه باین دگرگونیها توجیه رفتار نا متعادل نوجوانان آسانتر خواهد بود . عدم تعادل نوجوان بعلت دگرگونیهای سریع و عدم توانائی سازش باین دگرگونیها است . بهمین علت حالت نظم و ترتیب در این دوره از هم می باشد .

در این مرحله به مرحله هوش نظری ارتقاء می یابد . این جهش ناگهانی ذهن باعث می شود نوجوان از حالت اطاعت محض خارج شده و می خواهد خودش مسایل را تجزیه تحلیل کند ، در نتیجه یک حالت عصیان و سرکشی را آشکار می سازد .

نتیجه منطقی عدم طاعت نوآوری و نوجوئی نوجوان است که یک ارزش مثبت است . نوجوان از یک حالت مصرف کننده بیرون آمده و تولید کننده می شود . بهمین دلیل حالت تدری نسبت به آنچه تا کنون پذیرفته ، پیدا می کند . در مورد تمام مطالبی که در سنین ۹ - ۷ سالگی پذیرفته تردید می کند و در برابر تمام پدیده ها علامت سؤال را قرار می دهد ، زیرا محک سنجش پیدا کرده و علاقه مند است همه پذیرفته ها را با محک سنجش خود بسنجد .

بهمین دلیل عدم تعادلی در رفتار ظاهر شده ، باعث ندانم کاری ، اشتباه و خطا می گردد . نوجوان استقلال طلب می شود ، زیرا توانائی کسب استقلال را پیدا کرده است .

ترین مسایل را تجزیه و تحلیل کند .

در بسیاری موارد می تواند استقلال اقتصادی داشته باشد ، در نتیجه استقلال طلبی او یک ارزش مثبت است .

یک نمای مشترك عاطفی در تمام نوجوانان به چشم می خورد . بسیاری از نوجوانان یک تجربه سطحی یا عمقی از لحاظ گرایش شدید عاطفی (عشق) دارند. این مرحله ، مرحله تبلور عاطفی است . عواطف زیاد نوجوان بدون شکل است . برای اینکه توده عواطف شکل بگیرد ، کافی است حادثه ای رخ دهد . عشق نوجوان از ویژگیهای خاصی برخوردار است . عشق نوجوان یک عشق حاد تسخیری است . در این مرحله نوجوان سعی دارد معشوق را از آن خود سازد . رفتار او در این زمینه بیشتر رفتار بایک شیئی غیر جاندار است . بهمین دلیل روابط عاشق و معشوق دیربانیست و حتی عشقهای شدید که به نتیجه می رسد نتیجه دیربائی ندارد ، اغلب نوجوان نسبت به عشق خود دوگانگی شدیدی نشان می دهد گاه عشق به نفرت تبدیل شده گاه باعث قتل معشوق می گردد .

بدلیل عاطفی بودن ، نوجوان نمی تواند تصمیم منطقی اتخاذ نماید و معمولا دچار گرفتاری می شود . نوجوان در یک حالت روانی سازندگی شخصیت است . مدلهائی را می پذیرد و جزئی از این مدلها را جزء شخصیت خود می سازد .

نوجوان هر روز خود را با الگوئی سرگرم می کند . این اقتباس شخصیت ضروری است ، اما باید توجه داشت که شخصیت در یک مدت طولانی شکل و فرم پیدا می کند .

بعد روانی نوجوانی فرصت می دهد که چگونگی اقتباس شخصیت را مورد مطالعه قرار دهیم . تفکر در نوجوان گرچه پایه های اصلی بدنی و هوشی را دارد ، ولی به علت کمبود تجربه نمی تواند عمیق و دقیق باشد . نوجوان بیشتر به مجادله و بحث می پردازد ، خیلی زود تغییر عقیده می دهد ، و با اصطلاح یکنوع ورزش و تمرین ذهنی را انجام می دهد .

در مسایل بدنی روانی مسئله جنسی نیز مطرح است . مسئله جنسی با مسئله اجتماعی در یک مسیر است ، بهمان دلیل که نوجوان از لحاظ سازندگی اجتماعی به علت عدم تجربه دستخوش ندانم کاری است ، از لحاظ جنسی هم دچار خطا می شود .

پدیده جنسی ذهن نوجوان را خیلی بخود مشغول می دارد بعدی که ممکن است نوجوان را دچار خود شیفتگی کند . بهمین دلیل ، بخصوص دختران در این دور ساعات زیادی را در برابر آینه می گذرانند . پدیده دیگر که به فراوانی در نوجوانان قابل مشاهده می باشد ، این است که نوجوان بجای سازش با اجتماع به گریز از اجتماع و گرایش بخود می پردازد و رفتار لذتجویی جنسی از خود نشان می دهد . اگر این رفتار خیلی زود شروع نشده باشد و پس از دوران بلوغ ادامه پیدا نکند ، عوارض بوجود نخواهد آورد .

مسلماً راه حل نصیحت نیست و راههای دیگری می تواند وجود داشته باشد .

نوجوان به همجنس خود گرایش پیدا می کند . این گرایش دارای دو جنبه است ، یکی اجتماعی است که کاملاً طبیعی بوده و جنبه دیگر همجنس بازی که جنبه مرضی پیدا می کند . مسئله جنسی و اجتماعی یک مسئله مشترك است . بخود پرداختن علت مرض نیست . بهمین دلیل برای معالجه عوارض بر طرف کردن علامت بیماری کافی نیست ، باید عامل را جستجو نموده درمان کرد .

بدهید. این توصیه‌های درمانی برای تعدیل شخصیت نوجوان است و اگر این تعدیل بوجود آید، علامت نیز خودبخود برطرف می‌شود.

وقتی مسئله جنسی را از لحاظ جامعه‌شناسی مطرح می‌کنند، این مسئله کمال اجتماعی است و اینکمال و غایت انسانی در آن نهفته است. اگر کسی نتواند از این نیرو در جهت ارتقاء و کمال جامعه استفاده کند، از لحاظ شخصیتی دچار اشکال است، زیرا شخصیت یک بعد اجتماعی است. **زمنه اجتماعی بلوغ**

مسئله بلوغ در تمام شرایط اجتماعی یکسان ظاهر نمی‌شود.

مسئله بلوغ یک شعله اجتماعی است. هر قدر تاروپود جامعه که خانواده‌جزئی از آن است تنگ‌تر باشد، (فضای نوسانی جامعه کمتر باشد) برخورد نوجوان با اطرافیان و عصیان او بیشتر خواهد بود. مطالعات مردم‌شناسی نشان داده بحران بلوغ امر مسلمی نیست. در جوامع زیادی مراحل بلوغ بدون برخورد و ناراحتی طی می‌شود. در جوامع شهر و روستا بحران بلوغ انعکاس یکسانی ندارد. نظام ارزش‌های جامعه در چگونگی بحران مؤثر است. بنابراین بعد اجتماعی نباید فراموش شود. در حال حاضر بحران بلوغ بعلمت تأثیر اجتماعی شکل تازه‌ای پخود گرفته، زیرا دوره متوسط سن افزایش یافته است و نسبت به گذشته بالا رفته است. نوجوان یک حالت انتظار طولانی‌تری را طی می‌کند. در نتیجه تضاد و برخورد بصورت شدیدتر چشمگیر است. حالت انتظار همراه با دلهره و اضطراب است که باعث حالت نوزاد در جوانان می‌گردد.

در گذشته‌ای که خیلی دور نیست، پدران با ماشورت نمی‌کردند و خودشان تصمیم می‌گرفتند ولی در حال حاضر در مورد حتی خرید یک جفت کفش نظر فرزندمان را می‌پرسیم حتی از سه سالگی. از سوی دیگر خاطر انتظار جامعه در زمینه تخصص و تحصیلات عالیه از فرد بعد فوقانی نوجوانی گسترش یافته است. تخصص را برای راه یافتن به پیچ و مهره‌های اجتماعی ضروری می‌دانیم. عملاً در عین حال که از سه سالگی به نوجوان حق اظهار نظر می‌دهیم، در سن ۲۲-۳۰ سالگی حق اظهار نظر در حد خود و ورود به جامعه را باو نمی‌دهیم. نوجوانان ابتدای این قرن مشکلات کنونی را نداشته‌اند.

اسروژه تعداد پدیده‌ها و مسایلی که در واحد زمان می‌گذرد، افزایش یافته. این پدیده‌ها بر نوجوان اثر می‌گذارد. نوجوان خود را تحت تأثیر وسایل ارتباط جمعی احساس می‌کند، در نتیجه دچار تضاد می‌گردد. پس ملاحظه می‌کنید با اعتباری تغییرات بدنی، روانی و اجتماعی مسئله پیچیده‌ای را بوجود آورده است.

نوجوان احتیاج به کمک دارد ولی متأسفانه بجای راهنمایی نظریات خود را باو تحمیل می‌کنیم فرزندشما، شاگردشما، مسئله‌ای را مطرح می‌کند، ولی شما جوابی باو می‌دهید که بمسئله او ارتباطی ندارد و فقط نظر شخصی شما را تأمین می‌کند. در نتیجه باعث عدم اعتماد نوجوان بخود می‌شوید. در نتیجه از شما متنفر شده، مسئله خود را در گروه همسال مطرح کند. وقتی مادست کمک نوجوان را صمیمانه فشاریم، از ما رویگردان شده راه حل مشکل خود را در گروهی که همه بنوعی سرخوردگی دارند جستجو می‌کنند، در حالی که سرخورده‌قادر به راهنمایی و ارشاد نیست.